وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققا آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
بهار آمد!
ص۲

د ۱۳۸۱ کال پینبوته ځغلنده کتنه
ص۴

وسوسه های سبز رنگ درختان
ص۳

شمارهٔ فوق العاده به مناسبت سال نو

دور ششم سال دوم شماره نزدهم جمعه اول حمل ۱۳۸۲ - ۱۶ محرم الحرام ۱٤۲٤ - 21 March 2003

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت سال نو

از همه احاد ملت آزادی دوست دعوت می نماییم که با آغاز سال جدید رسوبات فکری بیگانه باوری را به دور اندازند وشعار صلح و تفاهم وخود باوری ملی را درفضای کشور طنین افکنند

هموطنان گرامی، خواهران و برادران

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

فرا رسیدن سال ۱۳۸۲ را به فرد فرد شما تبریک و شادباش گفته و آرزومندیم که در سایه تحکیم هر چه بیشتر صلح و امنیت، گسترش شگوفایی ورفاه و آبادی درخشش هرچه بیشتر آزادی، استقلال و دوری از گزند بد خواهان در عرصه های زندگی ملی و بین المللی وحدت و همدلی، زندگی سیاسی و اجتماعی خویش را به پیش بریم.

آسمان صاف نیلگون وستاره کوب و کوه های برف پوش وسیمین قبای کشور در آستانه سال نو، مژده بخش آن است که به برکت دعا های سحر خیزان صاف دل گمنام و خون های پاک شهیدان راه آزادی کشور از شر تجاوز و تروریزم، سال وفور نعمت ها، سبزینه پوشی دشت و دمن، تعمیم صلح و تفاهم در راستای یک زندگی بدور از جنگ و درهم پیچیدن گلیم نکبت بار خوشکسالی، باشد.

ملت مسلمان ومجاهد افغانستان در یک سال گذشته شاهد تحولات بزرگی در زندگی سیاسی و اجتماعی خود بوده برگزاری موفقانه لویه جرگه اضطراری و تعیین زعامت سیاسی و قرار گرفتن کشور در محراق توجه جهانیان و فروکش کردن بدبینی ها و سوء تفاهم ها در رأس همه آن قرار دارد.

ولی عدم بهره وری بهینه از این فرصت ها در راستای تبارز اراده ملی در پیوند به قضایای سر نوشت ساز کشور، نامحسوس بودن گام های موثر در عرصه تقدیم خدمات اجتماعی به طبقات محروم، استفاده از مقام ها و امکانات دولتی در جهت اهداف شخصی و گروهی مورد پرسش همه کسانی است که نسبت به سرنوشت این ملت و امروز و فردای آن می اندیشند.

سال نو از همه ما می طلبدتا همانطور که طبیعت ایستایی و عدم تحرک خزان و زمستان را با پوشیدن جامه نو وپویش جدید بدور انداخته است، ما هم باید جامه های چرکین بدبینی ها و نفاق ها را از تن بدور اندازیم و در راه پاسداری از آزادی، استقلال و مفاخر تاریخی و تلاش در راه فراهم آوری زمینه های اقتدار ملی کمر همت بندیم.

ملت مسلمان ما در راه رسیدن به آرمان ها و آرزوهای خود در افغانستان بعد از بحران، نیازمند خود باوری ملی، همبستگی، تحرک و پویایی و عزم و ثبات وده و همین اراده و ثبات است که زندگی آن ها را به مرحله شگوفایی ارتقا می بخشد.

ما نباید در انتظار آن باشیم که دیگران برای ما برنامه های توسعه سیاسی اقتصادی و اجتماعی را آماده ساخته و ملت ما را با همه ویژگی های ملی و تاریخی تخته مشق تجارب برخاسته از نیازهای ملی خود سازند.

ملت های متکی برخود باوری ملی و اعتماد به خود، بربنیاد داشته های مادی و معنوی خویش با استفاده از تجارب دیگران وبا در نظر داشت ویژگی های دینی و ملی خویش در راه بازسازی کشور و ملت خود کمر بسته و نقش خود را، برازنده و آشکار سازید.

تعیین اولویت در راستای بازسازی کشور امری است بس مهم وبا ارزش که بدون آن هرگونه برنامه و طرحی کوبیدن آب در هاون است، آنچه اکنون پیش از همه در برابر دولتمردان دولت انتقالی اسلامی افغانستان قرار داشته و ملت ما نیازمند آن است، همانا اشتغال زایی، عمران مراکز تربیتی و ایجاد وفعال ساختن نهادهای تولیدی، تمثیل از کشور بحران زده ما با همه ویژگی هایش در عرصه های منطقه ای و بین المللی، زمینه سازی برای یک جامعه مدنی و کثرتگرایی سیاسی بوده که بدون توجه همه جانبه به آن ها نمی توان مدعی یک نظام مردم سالار و خدمتگذار را پایه گذاری کرد.

در اخیر ضمن ابراز تبریک و شادباش نسبت به فرا رسیدن سال جدید، یک بار دیگر از همه احاد ملت آزادی دوست و عزت شعار دعوت می نماییم که با آغاز سال جدید رسوبات فکری بیگانه باوری را بدور اندازند و در هماهنگی با سبزینه دیباهای طبیعت شعار صلح و تفاهم و خود باوری ملی را در فضای جدید کشور طنین انداز نمایند.

نمایندگان سیاسی ما باید بازتاب دهنده واقعیت های کشور باشند



هفته، گذشته استاد، سفراء، شارژدافیران و نمایندگان دیپلوماتیک افغانستان در خارج از کشور را به ضیافتی در دفتر مرکزی جمعیت اسلامی دعوت وضمناً سخنانی ایراد نمودند که متن کامل آن را در این شماره می خوانید. ص۲



سحر سبز بهار

عبدالاحد تارشی

چه سحر سبز به دنیا دمیده است بهار
زخاک تا به فلک باغ چیده است بهار
سرشک آن همگی آبشار سبزه بود
زچشم بخت که یارب چکیده است بهار
غرور حسن شده هر گیاه آن، شاید
ترا در آیینهء خویش دیده است بهار
ببال عطر وپر رنگ در قلمرو جان
به جستجوی تو هر سو پریده است بهار
حریری از نفس مشک بیز توست نسیم
که بهر قد خود آن را تنیده است بهار
به این گمان که زمامی رمی هنوز ای دوست
به پاس خاطرت از ما رمیده است بهار
از آنچه در صفت تو سروده خامهء عشق
یکی گزیده غزل یک نشیده است بهار

مجاهد مقدم سال نو را محضر رهبر جهاد ومقاومت وکافهٔ ملت آزادهٔ افغانستان تبریک می گوید

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

بهار آمد!

در این بهار همگان چشم به دیدار بهاری دگرگونه دوخته اند، بهاری که با قدومی نکو خبر از سال پر میمنت بدهد، هم در طبیعت وماده و هم در زندگی وجامعه تازگی وطراوت بار آورد، زمین های از خشکسالی خشکیده را آب رساند و جان هایی از ستم خسته را حیات تازه دمد.

البته سال ۱۳۸۱ نیز در مقایسه با سال های پارین خالی از نکویی هایی نبود. پس از چندین سال نحس دوران حاکمیت جور گستر وزندگی سوز طالبان مردم مجال آن را یافتند که بی شلاق و کتک نفس بکشند و به خانه های به اجبار ترک کردهء خود باز گردند.

سایهء شوم جنگ در بسیاری از نقاط کشور از سر مردم دست برداشت و امنیت و آرامش نسبی بر اکثر جای ها بال گسترد و مردم از باج و خراج برخی از سود جویان قدرتمند رهایی یافتند.

در سطح سیاسی لویه جرگه دایر شد و آن تحولی بزرگ در تاریخ حیات سیاسی ملت به شمار می آید چون مردم پس از سالیانی دراز توانستند نمایندگان گزیدهء خویش را درمیان اعضای آن دریابند، هرچندان این شورای بزرگ (لویه جرگه) خالی ازکاستی هایی نبود. زعیم کشور آقای حامد کرزی را انتخاب کرد ولی برای کابینه رأی اعتماد نداد و پارلمان و مجلسی را که عهده دار نظارت برکارنامه های حکومت باشد از میان اعضای خود بر نگزید وچنان که امید می رفت سنگ زیرین یک نظام مردم سالار را متین نگذارد.

در چنین یک فضایی فارغ از نظارت و کنترل حکومت همه کاره شده است "هم کوزه و هم کوزه گر و هم گل کوزه". خودش بودجه تصویب می کند و خودش مصرف می کند وخودش استراتژی وضع می کند. هشتاد در صد بودجهء سال گذشته را هزینهء پژوهش ها می سازد. ۱،۸ میلیارد دلار از کمک های وعده داده شده در کنفرانس توکیو برای بازسازی افغانستان به مصرف می رسد ولی آثاری ملموس از بازسازی دیده نمی شود. شفافیتی در مصرف وجود ندارد. اکثر خدمات دولتی به بهانهء وجود فساد مالی و اداری در ادارات دولتی با هزینهء بلند به دوش یک کمپانی انگلیسی به نام کرون ایجنسی (Crown Agency) گذاشته می شود.

کابینه برای اعضای خود معاش های گزاف ومخارج هنگفت اختصاص می دهد در حالی که به معاش هیچ مانند کارمندان دولت وفقر همه گیر جامعه توجهی صورت نمی گیرد.

این ها و ده ها مورد دیگر وجود دارد که کم بهاتر از این ها نیست، ولی هیچ کس نتوانست در سال پار برای آن ها پاسخی دریابد ولاجرم با آمدن سال نو پرونده های آن ها را ببندیم.

آیا سال جدید هم بدین منوال خواهد بود؟ یا شاهد تحولی هرچند کم رنگ در این عرصه ها که گفتیم به سود آرامش وثبات ورفاه وآسایش خواهیم بود؟

مردم چشم به انتظار تحول نکو در این عرصه هایند.

استاد در جمع سفیران و نمایندگان سیاسی کشور:

نمایندگان سیاسی ما باید بازتاب دهندهٔ واقعیت های کشور باشند

خوشحال هستم که شما را از نزدیک می بینم یقیناً مسوولیت سفیران و نمایندگان در همهء حالات چه در شرایط طبیعی و عادی کشورها چه شرایط غیر عادی خیلی ها مهم ست و اما زمانی که کشوری از یک مرحله بحران عبور می کند و مشکلات زیادی دامنگیر آن است و کشور های دنیا با تناقضات مختلفی و با کشش ها و انگیزه هایی مختلف توجه شان به افغانستان جلب شده ست نقش شما برادران بزرگ و عزیز در چنین شرایطی بسیار مهم و با ارزش تر است و من یقین و اطمینان - دارم در جایی که اخلاص و استعداد و دلسوزی وجود داشته باشد - که مردم افغانستان مردم با استعدادی هستند و شما نمایندگان صادق کشور تان بودید و هستید و من مطمین هستم که شما با داشتن چنین صفاتی با وجود مشکلات فراوانی که هم کنون هست وظایف و رسالت خود را به خوبی انجام می دهید. شما نسبت به همه خوبتر می دانید. اوضاعی که کنون در کشور ما حکم فرما است این وضعیت که بعد از مشکلات فراوان گذشته به میان آمده است شرایط بسیار مهمی است که باید از هر ساعت و هر لحظه آن استفاده کرد ما و شما در سی سال که گذشت مراحل مختلفی را گذشتاندیم. البته افغانستان در طول تاریخ ما جرا ها و آشوب ها و مشکلات زیادی را تجربه کرده است.

آسمان و ستاره های افغانستان، مردم افغانستان شاهد اوضاع مختلف در کشورشان بودند و ما و شما و نسل کنونی افغانستان به تمام وجود قضایا ومسایل مختلف را که در کشور مان طی سه دهه گذشت لمس کردیم تجارب مختلفی از کشمکش های مختلف و تضاد ها و بازیهای مختلف سیاسی و برخورد مصالح کشورهای دور و نزدیک وکشورهای همسایه را دیدیم این ها همه دست به دست یک دیگر دادند و با بعضی کمبودها و نقص هایی که در خودمان هم وجود داشت حالت به گونه یی آمد که یک سلسله مشکلات در کشور مان بروز کرد اما یک چیزی که مایهء خوشی و اطمینان همه ماست این که مردم افغانستان با وجود همه این مشکلات، بحران ها را خود مهار کردند و توانستند که در برابر چلنج های مختلف مردانه مقاومت بکنند. فرزندان افغانستان توانستند در برابر تهاجم مختلف ودر برابر مداخله های مختلف که بسیاری ها تصور می کردند که شاید روزی افغانستان از نقشه سیاسی جهان حذف شود. وقتی هم تصور می کردند که مردم افغانستان قدرت ساختن یک نظام را برای همیش از دست داده است گاهی هم فکر می شد افغانستان به پارچه های مختلفی تجزیه خواهد شد و کشمکش های قومی و نژادی در افغانستان به اندازه یی شاید رشد کرده باشد شمال و جنوب افغانستان وملیت های مختلف افغانستان قادر نباشند که خود را به یک دیگر پیوند بدهند. دوباره دولتی بسازند حکومتی داشته باشند. ملت متحدی شوند و کسانی که اصلاً نمی خواهند وجود افغانستان مستقل و آزاد و متحد، افغانستان قدرتمند و سربلند را ببینند تصور می کنند که منافع شان ایجاب نمی کند آن را ببینند در حالی که این تصور یک مقوله غلطی است. زیرا زمین برای همه افراد انسانی است تنها برای یک کشور و یک ملت و یا برای یک ملیت نیست بلکه برای همه باشندگان آن است.

باید این ها در فضای بسر ببرند که هر کس مصالح خود را با رعایت مصالح دیگران مد نظر بگیرد ولی کسانی هستند که منافع خود را در نابودی منافع دیگران جستجو می کنند با وجود این به لطف خدا ما از آن مرحله گذشتیم، اکنون الحمد لله مشکل شمال و جنوب ومسایل مختلفی که ایجاد شده بود دگر وجود ندارد.

اگر چه بعضی از جراحات به میان آمده کاملاً التیام نیافته است اما مطمین هستم که آنها التیام می یابد ملیت های مختلف افغانستان باهم دیگر گرد یک میز می نشینند وبا هم سفر می کنند، در میان خود رفت و آمد هایی دارند و دو باره ان شاء الله افغانستان روال عادی خود را باز یافته است. اما این برای ما کافی نیست که قناعت بکنیم و بگوییم وضع به همین شکل مطلوب است و همه حرفها تمام شده است از چندی پیش در سطح مطبوعات بین المللی، مراکز رهبری گروه های نیمه خواب القاعده گاهگاهی سربلند می کنند و در بعضی نقاط به عقیدهء من بحران های خواب برده هنوز هم وجود دارد. نطفه های بحران در کشور ما در بعضی جا ها هنوز هم از بین نرفته است. و شاید دسته های بحران آفرین هنوز هم بیکار نبوده باشند. به این اساس در شرایط کنونی ایجاب می کند که کار بسیار زیادی انجام شود تا همه ریشه های بحران در کشور ما برچیده شود. ین کار دو بعد دارد بعد داخلی و بعد خارجی، بعد خارجی به عقیده من مخصوصا در شرایط کنونی اهمیت بسیار زیادی دارد چرا که در گذشته ها هم تا جایی که من می دانم و شما هم در جریان هستید قسمت زیادی از مشکلات مردم ما، قسمت عمده بحران افغانستان از بیرون به وجود می آمد. ما از داخل بحرانی نداشتیم حتی اگر تشنجات سیاسی و تغییرات نظام هم به وجود آمد این ها همه در داخل ما شکل نگرفته بود بلکه در بیرون برنامه ریزی شد و در داخل کشور پیاده گردید. نظام سقوط داده شد و کدورت هایی به وجود آمد و از همین جا بحران آغاز شد بالآخره تهاجم بیرونی علناً به میان آمد. بار دگر پس از شکست اتحاد شوروی دست تجاوز دراز شد.

ما از داخل بحرانی نداشتیم حتی اگر تشنجات سیاسی و تغییرات نظام هم به وجود آمد این ها همه در داخل ما شکل نگرفته بود بلکه در بیرون برنامه ریزی شد و در داخل کشور پیاده گردید.

به این اساس مساله روابط بیرونی و تماس با کشور های دیگر و نقش سفرای محترم ما در این کار بسیار مهم است من فکر می کنم که هنر سفارت کار ساده یی نیست شاید بعضی ها فکر کنند که آن کاری ساده است، در گذشته ها وقتی که ما شاگرد بودیم وحتی وقتی که از درس فارغ شدیم بگومگوهایی در بین دوستان در بارهء سفارت کاری رخ می داد بعضی تصور می کردند که سفیر شدن یعنی به مرحله کلا راحت و آرامش رسیدن ست در حالی که باری که به دوش سفرا گذاشته می شود یک بار بسیار سنگین و یک کار بسیار مشکل است.

از کار سفرا می شود آدم این گونه تعبیر بکند که با رعایت مصالح مختلف و متضادی که در سطح بین المللی وجود دارد، سفیر در یک کشتزار ماین حرکت می کند و مواظب هست که نشود در جایی پابگذارد که با منافع ملی و منافع کشورش تضاد به وجود بیاید و انفجاری رخ دهد. به این اساس چطور حرکت بکند که بتواند توازنی در میان منافع ملی کشور خود و مصالح ملی کشور های دگر ایجاد شود و تضاد و برخوردی به میان نیاید، ولی باید دانست که منافع کشورهای دگری هست که منافع آنها بین خود تضاد دارد.

در میان این تضادهای گونه گون به چه شکل ما می توانیم مصالح ملی خود را رعایت بکنیم. این کاری ساده نیست، مسایل عمده افغانستان مسایل بسیار زیادی است الحمد لله اکنون امیدوار هستیم که به سوی روشنی پیش می رویم، من به این وضع مطمین هستم. اما نقش و مسوولیت سفرای محترم ما به ارتباط مسایل داخل کشور بسیار مهم است. از فرهنگ وحتی مردم مخصوصاً در دوران حکومتداری طالبان بحران تروریزم و مساله ۱۱ سپتامبر در جهان تصویر عجیب و غریبی انعکاس یافته است، ایجاب می کند ما تلاش ورزیم این تصویر های غلط را به صورت درست تصحیح بکنیم. مثلاً مساله تروریزم و مساله اسلام و مساله وجود لانه های تروریزم درافغانستان و این که از کجا این جریان های تروریستی شروع شد و چگونه به افغانستان آمد.

دنیا باید به اشتباهات خود در بارهء افغانستان اعتراف بکند و مسوولیت های اخلاقی خود را انجام دهد. کشورهای جهان خود شان به کشور ما بی توجهی کردند و بلاخره اوضاعی به میان آمد که همهء دنیا را در یک بی موازنگی قرار داد و وجود ملل متحد را زیر سوال برد که سرنوشتش چه خواهد شد، و مشکل کنونی که دنیا را در یک وضع جدیدی قرار داده است که اتحادیه ها در حال فاصله گرفتن از هم هستند، یک نوع کمبود هایی در سیاست بین المللی در رابطه با افغانستان وجود داشته است که آنان ژئوپولیتیک افغانستان و اهمیت آن را در نقشهء سیاسی دنیا کم ارزش پنداشتند و فکر می کردند اینان یک عده گروه های هستند که با هم می جنگند وقتی که از پای ماندند بعد ما میاییم و کاری می کنیم اکنون بگذاریم یک دگر خود را خوب بزنند ما تماشا می کنیم، در حالی که مساله به این شکل نبود این کار بر اساس توصیه یی از بیرون بود و مردم بیچاره و مظلوم افغانستان کوبیده می شدند و هر قدر فریاد می کردند کسی باور نمی کرد اما یک قسمت مشکلی که آنها امروز به آن روبرو شدند مشکلی ست که آنها دارند.

سفرای محترم ما در هر کشوری که هستند مسوولیت بسیار عمده دارند که روشن کنند این بحران از کجا آغاز شد و آیا ملت افغانستان با این تروریزم و این تشنجی که در سطح بین المللی وجود دارد ارتباطی دارد ما چه نقشی در آن داریم آیا دین و فرهنگ اسلام در این باره کدام نقشی داشته است این مساله کاملاً روشن است که تروریزم نه دین دارد نه ملیت و نه وطن، تروریست هرجا که است تروریست است.

ملت افغانستان در طول دوره های مختلف تاریخش نشان داده است که از تروریسم نفرت دارد. شما می دانید یک چیزی که در افغانستان و جود دارد مساله عیاری است یعنی کسانی که مردانه در برابر دشمن می جنگند و به نامردانگی تن در نمی دهند. عیاریی که در فلسفه اجتماعی و جامعه شناسی مطرح است مرکزش همین خراسان سرزمین ماست که مردم آن یک نوع شهامت و حالت روانی به خصوصی داشته اند و به مردم نشان می دادند که در مقابل کارهای پست و خسیس جهاد می کنند. ما باید به دنیا نشان بدهیم که اگر تاریخ افغانستان کالبد شناسی شود و روانشناسی مردم افغانستان تحت مطالعه قرار گیرد ثابت خواهد شد که مردم این سرزمین همه روحیه عیارانه دارند و با کار تروریزم که کشتن بی گناهان و یک کار خسیس و پست است سازگاری ندارد در حالی که دیده می شود عیاران وقتی دشمن شان ضعیف می شد می گفتند دیگر از این دشمنی گذشتیم اگر چه تو می توانستی مرا می کشتی. از خصلت مردم افغانستان است که دشمن سپرش را می گذارد و وارد خانهء رقیبش می شود او برایش می گوید دگر از تو گذشتم. به این طریق باید به دنیا نشان داد که تروریزم با روان شناسی مردم افغانستان مطابقت ندارد.

در زمان اشغال اتحاد شوروی و مبارزه مردم افغانستان با شوروی ها در هیچ نقطه یی از جهان مجاهدین نه سفارتی آنان را بمب گذاری کردند و نه کسی از آنان را اختطاف نمودند. در صحنهء جنگ بر ضد آنان جنگیدند و در غیر آن بر جان آنان قصدی نکردند.

مسالهء دیگر این که اسلام از تروریسم بیزار است و در برابر آن نفرت دارد و تا جایی که من در بارهء ادیان مطالعه دارم همهء ادیان، چه ادیان آسمانی و چه در ادیان غیر آسمانی در هیچکدام در انجیل و تورات و زبور و در مذاهب بودیسم و کنفیسیوس به اندازهء اسلام مخالفت صریح در برابر تروریسم نمی بینم خداوند در قرآن کریم به پیامبر خود می گوید:

(والذین اتخذوا مسجدا ضرارا و کفرا وتفریقا بین المومنین وارصادا لمن حارب الله ورسوله من قبله ولیحلفن ان اردنا الا الحسنی والله یشهد انهم لکاذبون. لا تقم فیه ابدا لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه، فیه رجـال یحـبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین) (توبه: ۱۰۸-۱۰۷)

مطلب آیت این است که گروهی از مردم مسجدی ساخته بودند، آن را به عنوان یک مرکز تروریستی در آورده بودند و می خواستند پیامبر صلی الله علیه وسلم را در آن ترور کنند خداوند برای پیامبرش می گوید: (لا تقم فیه) در این مسجد نماز مگذار و در آن برای عبادت مرو و باید آن را ویران کرد، چیزی که برای تروریسم ایجاد شده ارزشی ندارد ولو مسجد هم باشد، آن خاصیت خود را از دست داده است لذا دین ما از اساس با تروریسم مخالفت دارد.

سفیران ما به یقین باز تاب دهندهء ین واقعیتها هستند ولی می دانند که تروریسم و کارهای خصمانه به ملت ما و مردم ما و به فرهنگ ما و تاریخ ما هیچ گونه بستگی ندارد. شما این مسوولیت هایتان را انجام داده اید و انجام خواهید داد.

اکنون جامعهء ما در مرحله یی قرار گرفته است باز مانند زمان تهاجم اتحاد شوروی پیشین مورد توجه جهان واقع شده است باید ما به مردم جهان نشان بدهیم که ما شایستگی و اهلیت موردتوجه قرار گرفتن را داریم.

ص۴

کسانی که در داخل هستیم کوشش بکنیم نشان بدهیم که ما

حافظ

رونق عهد شباب

رونق عهد شباب است دگر بستان را
می رسد مژدهٔ گل بلبل خوش الحان را
ای صبا! گر به جوانان چمن باز رسی
خدمت ما برسان سرو وگل وریحان را

•••

ماه کنعانی من! مسند مصر آن توشد
وقت آن است که بدرو دکنی زندان زا
در سر زلف ندانم که چو سودا داری
که بههم برزده ای گیسوی مشک افشان را
ای که بر مه کشی از عنبر سارا چوگان
مضطرب حال مگردان من سرگردان را

•••

نشوی واقف یک نکته ز اسرار وجود
تا نه سر گشته شوی دایرهٔ امکان را
یار مردان خدا باش که در کشتی نوح
هست خاکی که به آبی نخرد توفان را

•••

هرکه را خوابگه آخربه دومشتی خاک است
گوچه حاجت که بر افلاک کشی ایوان را؟
ملک آزادگی و کنج قناعت گنجی است
که به شمشیر میسر نشود سلطان را
برو از خانهٔ گردون به درونان مطلب
کاین سیه کاسه به آخر بکشد مهمان را

•••

گر چنین جلوه کند مغبچهٔ باده فروش
خاکروب در میخانه کنم مژگان را
ترسم این قوم که بر دردکشان میخندند
در سرکار خرابات کنند ایمان را
حافظا می خور و رندی کن وخوش باش ولی
دام تزویر مکن چون دگران قرآن را

قاری عبدالله

بهار

خنده بر لب می به ساغر گل به سر دارد بهار
در چمن سامان عشرت اینقدر دارد بهار
مزرع اعمال خود گر تازه خواهی، گریه یی
دامن پر گل ز فیض چشم تر دارد بهار
خرمی های چمن گو! جوش رنگ گل کجاست
طشت پرخونی زگلشن در نظر دارد بهار
کی به زلف تار تار یار سازد نسبتش
از رگ و از ریشهٔ سنبل خبر دارد بهار
کرد سنبل مو پریشان، گل گریبان چاک زد
شاید از دست خزان این شکوه سردارد بهار
دیده واکن این سیه خیمه است داغ لاله نیست
هر طرف لیلای دیگر جلوه گر دارد بهار
رفتم از خود تا کنم قاری تماشای چمن
عالم دیگر به چشمم جلوه گر دارد بهار

محمد اسحق فایز

وسوسه های سبز رنگ درختان

فلق ها از نو می شگوفد
وپندارهای آسمان
سبزینه می شود
وکلنگ های سفید آسمان بال افشان
شبگاهیان رویایی تازه در سر می کنند
با پروازی دور

جاری می شود
خونی سبز رنگ
در رگان تاکها
در رگان باغها
و در رگان من که در غصهٔ فصل های بی شگوفه
پرپر شدم

و به دامان زمین های سوخته
ریختم

از نو آغاز می شویم
و پندارهای آسمان
سبزینه
از نو می شگوفد
وکبوتران سپید از چاه ها
بیابان های پر از شقایق را
عاشقانه می بینند
در پرواز

جاری می شود
موجه ی که آن را زندگی می گویند
وموجه ی که آن را عشق می خوانند
در وسوسه های سبز رنگ درختان
و داغ های سوختهٔ لاله های بیابانی
جاری می شود
لرزه ی نرم و عاشقانهٔ در بال شاپرک ها
برفراز دره هائیکه از زلال چشمه ساران
آبستن است

جاری می شود
بوی رستن وجوان شدن
در عروق جوانه ها
وقتی در ستاک های لرزان از بادها
برگهای سبزینه
آیینه ی می شوندبرای مکیدن شیمهٔ خورشید
وشبانه راز دار خاموشیی بیشه های باران زده
وقتی پرندگان خواب آشیانه های ریختهٔ شان را می بینند
بر فرا دست سپیداران بیدار

و در این میانه تعقل آدمی
تکان می خورد
آنسان که تالاب های نیلی رنگ و دریاچه ها
بر زمین
و بر دره های پیچ پیچ
پهلو می زنند
با هم آغوشی بادها

زندگی از نو جاری می شود
در ورطه های وهم زدهٔ آرزو های ما
که در دمادم سپیده یی
شاهد بودیم
تا راجی تلخ را
و شگفتن زخم هزاران فاجعه را
در باز ترین تصورات شیرین مان:
روزی
فرزندان مان از کنار پنجره ها
غروب خستهٔ یک روز را نظاره کنند
وسکوت شبانهٔ آشیانه ها
از وحشت ترکش خمپاره ها
آشفته نگردد
و دریغ

•••

اینک در پیشاپیش یک سپیده زخمی
آیینه ها هنوز خالی و بی تصویر
بر سینه دیوار ها آویخته اند
و زندگی هنوز
تفسیر درد آلودی دارد
هرچند امیدی هست
وهرچند جستارهای سبز رنگ مان از ذهن بهار
همان تعابیر گذشته است.

•••

جاری می شود
سپیدهٔ از شرقی ترین روزنه های رو برویم
تصویری از آفتاب
در یخ زده ترین روزهای سربی روزگارم
اما آیا
بهاران معنای سبزش را در من بیدار خواهد کرد
تا در تناور یک سپیدار
-ویک بلوط
رعشهٔ رستن جوانه ها را
با دستان خویش لمس کنم؟

این شعر یادگار بهاری است که کابل در آتش جنگ می سوخت

وحید مژده

بهار و جنگ!

بنگر بهار باز که ماتمسرا شده
ویرانه غرق لاله و رنگین قبا شده
گلزار و باغ با دم افسونگر بهار
از چنگ زمهریر زمستان رها شده
آن پنجه های نرم و نوازشگر نسیم
با جعد زلف سنبل تر آشنا شده
از بوی خاک نم زده و عطر سبزه زار
گویی عبیر و مشک به باد هوا شده
هر چند کوه و دشت و دمن با دم بهار
زیبا و با طراوت و بس با صفا شده
آن دلنواز نغمهء جانبخش عندلیب
اندر غریو معرکه محو وفنا شده
بس گلبنی که دامنش از خرمی تهیست
دام مهیب مرگ به ما و شما شده
زین آتشی که بر شده از حرص و کین و آز
جمعی به خاک خفته و شهری فنا شده
گیرم که زخم چشم کسی خورده شهر من
خود چون سپند مجمر آتش چرا شده؟
رنگین به خون سرخ شهیدان بشد وطن
کرب و بلا بدیده و چون کربلا شده
با عظمت حماسهء شیران هندوکش
از چنگ دیو سرخ جهانی رها شده
در جنگ بهر منصب و کرسی و اقتدار
خون شهید راه خدا زیر پاشده
ظلمی بزرگ رفته بر این ملت غیور
بر آرمان پاک جهادش جفا شده
خون سپیده ریخت و شفق در عزا نشست
تا دست اختلاف در اینجا فرا شده
ناموس شرع ملعبهء قصد شوم شان
با دشمنان نور خدا همصدا شده
ماییم و انتظار نسیم بهار صلح
زین انتظار تلخ بسی سالها شده
آن تارک بلند سپیدار های سبز
با تیغ باد و پنجهء توفان جدا شده
کف دست های سبز به هر شاخهء چنار
دست دعا به جانب عرش خدا شده
چشم یتیم غرق سرشک است ای خدا!
مردی و مردمی و مروت کجا شده؟
این مامن یلان زشاهان خراج گیر
در هر قدم کمینگه چندین گدا شده
رعشه فتاده بر تن این نسل محتضر
تاچوبه دار فقر ومصیبت بپا شده
در کوچه کوچه ناله و در جاده جاده خون
درخانه خانه ماتم و سوگ وعزا شده
ما و امید وحلقه به درکوفتن ولی
گوشم در انتظار صداهای پا شده
از عطر مهر دامن گلدسته ها تهی
آیا نماز عشق و محبت قضا شده؟
صحرا سراب شورش و من تشنهء قیام
در سر هوای هی هی و بانگ دراشده

سال نو واذان جنگ

صبح بهار در دمید لیک طبول جنگ ها
کرده پریش مرغکان بارش تیر وسنگ ها
غلغل آبشار ها مژده ده حیات نو
شرشر آبشارها نغمه زند چو چنگ ها
دختر کان باغ ها کرده به سرردای سبز
ابرسیه دهد پیام ریختن تگرگ ها
انکه همیش می سرود نغمه صلح وضد جنگ
حال دهد به ملتی هدیه میر مرگ ها
شوخی پیر می فروش بازی او همی نگر
همچوعسل دهد به ما زهر وسم وشرنگ ها
چیده حریف دام ها بهر شکار این وآن
ما همه مست وبیخبر بیهش خمر وبنگ ها
ساده دلی بود بسی چشم امید و رحمتی
بهر غزال این چمن از ستم تفنگ ها
سال نو و اذان جنگ شعله فگنده در جهان
پاسخ داعیان صلح راکت وبمب تنگ ها

شاداب ۱۳۸۱/۱۲/۲۹

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال دوم شماره نزدهم جمعه اول حمل ۱۳۸۱ - ۱۶ محرم الحرام ۱۴۲۴ - 21 March 2003

د ۱۳۸۱ کال پېښو ته ځغلنده کتنه

دهیواد په تاریخ کې ۱۳۸۱ل. کال له یو شمیر ځانګړتو برخمن دي، په دي کال کي څه دپاسه دري نیم ملیونه شاګردان (هلکان - نجونې) ښوونځیو ته لاړل. دلوړو زده کړو ورونه دهر چا پرمخ خلاص شول او "راځي چي سبق ووایو" شعار تر ډيره حده عملي شو.

دبن د پریکړه لیك له مخي دهمدي کال دجوزا په (۲۱) مه بیرني لويه جرګه جوړه شوه او درايو په اتفاق ښاغلي حامد کرزي د دولت درئیس په نامه وټاکل شو او دولت د "انتقالي اسلامي" په نام ونومول شو. خو کومي ژمني چي په جرګه کي وشوي، دولت په کي پاتي راغلي، چي يوه يي هم دجرګي له غړيو دشورا (پارلمان) جوړول و او بله يي دعمومي بي وسلي کولو عملیه وه.

دولت په بهرني سياست کي ډيري برياوي ترلاسه کړي او تر ټولوښتو زيات دبهرنيو هيوادونو سياسي نمايندګي په کابل کي پرانستل شوي. د دولت مشر او نور لوړ پوړي چارواکي د م.م. په غونډو او نړيوالو سيميناورونو کي ګډون وکړ، په تيره بيا په ماليزيا کي دناپيبليو هيوادونو په سرمشريزه کي دکرزي وينا، نړيوالوته ددي هيواد د بي پلوي، دثبوت ښکاره بيلګه وه.

په همدي کال په بن، ستاکهولم او بروکسل کي دافغانستان دبيا رغاوني په باب نړيوال کنفرانسونه وشول او نړيوالو په وار وار زموږ نه خپل ملاتړ څرګند کړ.

دولت دبن دپريکړي له مخي د اساسي قانون د جوړولو کميسيون جوړ او دا دي کاريي تر ډيره بشپړ شوي، دغسي دلويي جرګي دجوړيدو کميسيون جوړ شو او چاري يي پرمخ ځي او پردي سربيره دقضايي سيستم درغولو، دملكي كيدو كميسيون او دملي اردو دجوړولو كميسيونونه يي نور فعاليتونه دي.

د اساسي قانون مسوده راوتلي نه ده، چي هيواد وال پري خپل نظر څرګند کړي، زموږ درديدلي او متدين خلك هيله من دي چي ددیني اوملي ارزښتونو په رڼاکي اساسي قانون ولري، چي دنظر او تطبيق له اړخه څه ستونزي ونه لري: ځکه په دغسي چاروکي له نورو هيوادونو ځني تقليد ناسم دي او هر هيواد دخپلو فرهنګي او تاريخي شرايطو له مخي ځانته اساسي قانون جوړوي او له بهرنيو دوستانو هم زموږ هيله ده، چي دداسي تکيوله تيلو ډډه وکړي، چي زموږ ديني او ملي هويت تکني کوي.

دملي اردو دجوړولو عمليه د ميړي پرمزله روانه ده، او داچي دوه ليواګاني جوړي شوي دازموږ دخاوري ددښمنانو دفعاليت په پرتله ناڅيزه دي، موږ د دولت له اړونده مسوولينو او هم بهرنيو دوستانو غواړو، چي داعمليه ګړندي کړي.

دغسي دپوليسي ځواك په جوړولو كي د آلمان هيواد مرستي دیادوني وړ دي او دا چي دكابل پوهنتون پيښه له نا تجربه ګي پيښه شوه. ښايي چي اړونده مسوولين دهيواد د اوسني خلاصي فضا په پام كي نيووسره پوليس داسي وروزي چي چاري ښه پرمخ بوځي، نه دا چي يوه ستونزه پر بلي زياته کړي.

دبيا رغاوني په باب تك ويك كارونه تر سره شوي دي: خو لاتر اوسه ديوي داسي پروژي نوم نه دي اخستل شوي، چي د سړي پري يقين راشي، چي دادي كار پيل شوي. دلويو لارو دسړكونو درغاوني پيل وشو: خو اوس په تپه ولاړ دي يوازي دكابل - جلال آباد سړك ډمايتونو له خطر ځني دبچاوي له پاره واړول شو او بلدوزر پري وګرځيد: نورلونه دشمال لاره او نه دكندها لاره جوړه شوه.

په داسي حال كي چي په بهرني نړي كي داسي تبليغات دي، چي همدا ډالري دي چي افغانستان ته ورماتي دي او خلك داسي انګيري چي افغانستان ګل او ګلزار شوي دي.

داچي چارواكو دبيا رغاوني له پاره دولت محور كړ او بهرنيو ته يي هم قناعت وركړ: نو ښايي چي دبيا رغوني چاري ددولت ترڅارني لاندي پرمخ لاړي شي.

درستيو په باب دولت ډير څه كړي د مطبوعاتو د قانون له مخي ډيري خپروني په مركز او ولايتو كي خوريږي: خو په مركز كي دخپرونو وده ناسمه ده او دافغانستان دعنعنوي دودله مخي چي پښتو - دري رسمي او ملي ژبي دي، دا اندول په كي نه مراعات كيږي او هم دولتي چارواكي په دي باب بي غوره دي. دغسي په دولتي خپرونو كي دانا اندولي څرګنده ده.

او هم دسراسري راديو او تلويزيون نه لرل ددي باعث شوي چي ولس له دولته ناخبره وي: نو دهمدي امله دوي بهرني راديو ګاني اوري.

امنيت په عمومي توګه مخ په ښه كيدو دي. او د دولت دمرستيال او فوايد عامي دوزير اروابناد عبدالقدير شهادت زړه بګنوونكي و. چي تر دي پيښي وروسته چارواكو امنيتي چارو ته ښه خيرنه وكړ دغسي دكانو او صنايعو دوزير اروابناد محمدي او ملګري پلاوي شهادت هم يوه كاري ضربه وه، چي هيوادوال يي له متعصد وكار پوهانو بي برخي كړل او هيله ده چي دولت په تينګه دا مساله وڅيړي او هيواد والو ته قناعت وركړي چي دا پيښه. توطئه وه كه بل څه! او هم پردووشهيدو وطنوالو چي دعدلي طب خيړني شوي هغه دي اعلان كړي!

دولت دولايتونو دګمركونو دعايداتو دراتولو له پاره څه نا څه كړي، خو داكافي نه دي، هيله ده چي په راتلونكي كال كي په دي باب اقتصادي ثنابونه تينګك او په عادي بودجه كي چي دوه سوه ميلونه ډالره له داخلي عايداتو ځني په پام كي نيول شوي، پوره كړي دغسي دولايتونو له چارواكو هم هيله ده چي دملي احساس له مخي دبشپړ ملي نظام دټينګولو له پاره دګمركي عايداتو له پلوه دمركزي دولت ملاتړ وكړي

تير كال دترهګري خالي راتولي شوي او داچي دلته او هلته يو نيم راكټ ولي اويا بمب ډدي دا په ترپو وخته پوري وي. ځكه د ۲۳ كلني جګړي ټمبي او اغيزي په يوه كال كي نه شي او له منځه وړل كيداي نه شي!

دولت او زموږ بهرني دوستان دي دبشپړه نا امني دمنځه وړو له پاره يوازي پر نظامي اړخ لنګر نه اچوي

اقتصادي امنيت راوستل. دخلكو غوښتنو ته معقول ځواب ويل او په عمل كي داسي څه كول چي په رښتيا دټولو وطنوالو دا باور راشي چي موږ يو بل له زړه نه منلي. نو دغسي چاري د نظام دبشپړ استحكام باعث ګرځي

دښاغلي كرزي په وينا چي دكابينې په جوړښت كي مصلحتونه په پام كي نيول شوي دا سمه ده. خو دا بايد ووايو چي ځينو وزيرانو له دي مصلحت او فرصت څخه سمه ګټه نه ده اخستې. وزارتونه دملي پخلاينې او ملي جوړښت ممثيلوونكي نه دي. او زموږ هيله ده چي په راتلونكي كال كي دانيمګړتيا لري شي

موږ له ټولو هيوادوالو څخه غواړو په هيواد كي چي دسولي كوم نوي بهير راغلي او هغه نړيوال او سيمه ييز شرايط چي برابر شوي، دځپلو ملي ګټو دخونديتوب له پاره دي تري اعظمي ګټه پورته كړي او د مركزي دولت د استقرار له پاره دي پښي ټينګي كړي

جمعيت اسلامي افغانستان لكه ځنګه چي دځپلو خصلتونو له مخي په مختلفو وختونو كي دوطن د آزادي، ځپلواكي او خمكني بشپړتيا دسالو له پاره هلي ځلي كړي. او دسولي داوسني بهير مخكښ هم دي. تر وسه وسه له دولته ملاتړ كوي او بيا هم پر دي ټينګار كوي چي دملي يوالي او با ثباته نظام ټينګو دړولوله پاره هر دول قرباني ته چمتو دي او ټول هيوادوال دي ته رابولي چي دملي او ديني ارزښتونو په رڼا كي داكيدواله وطن پر ګل اوګلزار بدل شي

پس از پایان ۴۸ ساعت ضرب الاجل، دیروز

حملهٔ امریکا بر عراق آغاز شد





از ماه ها بدینسو ایالات متحده، امریکا تصمیم خود مبنی بر خلع سلاح و سرنگونی نظام حاکم بر عراق را به علت داشتن سلاح کشتار جمعی کیمیاوی و بیولوژیکی اعلام داشته است.

شورای امنیت سازمان ملل نیز بر مبنای پیشنهاد ایالات متحده، امریکا در پی تصویب قطع نامه یی، گروهی از بازرسان آن سازمان را غرض تثبیت این ادعای ایالات متحده به عراق ارسال داشت، بازرسان سازمان ملل نتوانستند در پی چند ماه بازرسی از سراسر عراق گزارشی حاکی از موجودیت سلاح های هستوی، کیمیاوی و بیولوژیکی در عراق ارایه دهند. سر انجام بازرسان سازمان ملل از حکومت عراق خنثی سازی موشک های برد متوسط الصمود ۲ را خواستار شدند.

در همین جریان ایالات متحده ادعا داشت که عراق سلاح های کشتار جمعی وکیمیاوی خود را پنهان نموده و حاضر به خلع سلاح شدن نیست. ادعایی که هیأت بازرسان و اعضای شورای امنیت و سازمان ملل بر آن صحه نگذاشتند وایالات متحده نتوانست با در دست نداشتن مجوز شورای امنیت آغاز جنگ علیه عراق را مشروعیت ببخشد.

در شورای امنیت، فرانسه و روسیه و چین و نیز کشور آلمان با آغاز این جنگ ابراز مخالفت نمودند، در اکثر کشورهای جهان و بیشتر از دو هزار شهر تظاهرات گسترده یی علیه آغاز جنگ از جانب امریکا به راه انداخته شد، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه، کشورهای عربی و نیز سران اکثر حکومت های عربی با آغاز جنگ علیه عراق ابراز مخالفت نمودند.

با این همه، دو روز پیش ایالات متحده ضرب الاجل ۴۸ ساعته یی را برای خروج صدام و فرزندانش از عراق تعیین نمود،اینک با به سر رسیدن این موعد در اولین ساعات صبح آخرین روز سال ۱۳۸۱ هجری خورشیدی شلیک موشک های کروز و توماهاک مراکز فرماندهی عراق در بغداد، عملاً نیروهای امریکایی و بریتانیایی و آسترلیایی که تعداد شان به بیشتر از ۲۵۰ هزار تن در خلیج فارس و اطراف عراق می رسد، این جنگ که عده یی آن را "جنگ نفت" نام داده اند، آغاز گردید.

پیامد های فاجعه آمیز این جنگ تا حدودی آشکار است. زیرا دراولین حمله به بغداد از تلفات جانی افراد غیر نظامی گزارش هایی پخش گردیده است، کشور عراق با وجود داشتن دومین ذخیره گاه نفت در سطح جهان با درگیری های پیاپی نظامی در دو دهه، اخیر در موقفی قرار ندارد که مشکل مواد غذایی و دارویی مردم خود را در دراز مدت حل نماید.

به همین گونه ایالات متحده نیز از موقفی مانند آغاز جنگ درسال ۱۹۹۰ بر علیه عراق برخوردار نیست، این بار ذهنیت های عامه و نیز حلقات دیپلوماتیک نتوانسته اند مشروعیتی به این جنگ دریابند.

حتی در کشور ما که مردم دراولین قدم به علت تمرکز افکار جهانیان به عراق وبه فراموشی رفتن قضیه، افغانستان حق دارند، تشویش داشته باشند. زیرا درموجودیت همچو فضایی بقایای طالبان ودیگر مخالفین دولت انتقالی زمینه های استفاده و برهم زنی را در خواهند یافت.

به گزارش رادیوی آزادی حتی در مواقف وزارت خارجه، افغانستان مبنی بر حمایت از حمله، امریکا بر عراق وستره محکمه، کشور مبنی بر محکوم نمودن جنگ علیه عراق وموقف مارشال فهیم مبنی بر جستجوی راه های دیپلوماتیک به خاطر جلوگیری از جنگ در عراق بازگو کننده، چند دستگی در مواضع رهبری دولت انتقالی را به نمایش می گذارد.

این جنگ نه تنها اذهان را در کشور ما مغشوش گردانیده بلکه حیثیت سازمان ملل، شورای امنیت و عدم التفات به خواست میلیون ها انسان در روی زمین مبنی بر عدم آغاز جنگ سوالی است که شاید پاسخ آن به این زودی ها داده نشود.

نصیر

نمایندگان سیاسی...

کسانی که در داخل هستیم کوشش بکنیم نشان بدهیم که ما طرفدار استحکام حکومت و ثبات سیاسی و طرفدار عدالت اجتماعی و دموکراسی هستیم. اما ما از خود فرهنگ و پایه های فکری و اعتقادیی داریم که اصول آنها با اصول عدالت اجتماعی وآزادی که در نظام های دموکراتیک موجود است تضادی ندارد، ولی خصوصیات هر جامعه نظر به جامعه، دیگر فرق دارد و دموکراسی هم مانند کار خانه یی نیست که همه، تولیداتش یک سان باشد. ارزش های اجتماعی یک کشور با کشوری دیگر احیاناً متفاوت است. در هیچ جامعه یی دو انسان شبیه یک دیگر نیستند و دو آواز با هم یکسان نیست. بر این اساس کسی گفته نمی تواند که دو کشور با اختلاف فرهنگی و تاریخی در همه، پهلوها نظامهای سیاسی شان را از یکدیگر کاپی کنند. ما باید اصول فکری و اندیشه های اجتماعی خوب دیگران را بگیریم و دین هم چنین امر می کند؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم می گوید: الحکمه ضاله المومن اینما وجدها أخذبها "دانش گمشده، مومن است هرجا آن را پیدا کند آن را می گیرد."

در "مجاهد" اشتراک ورزید

جریده "مجاهد" درسال ۱۳۸۲ خورشیدی مشترک می پذیرد.

بهای اشتراک سالانه:

در مرکزوولایات	۲۰۰ افغانی.
درخارج ازکشور	۵۰ دلار امریکایی.

بهایی اشتراک شش ماهه:

درمرکز وولایات	۱۰۰ افغانی.
درخارج کشور	۲۵ دلار امریکایی.

برای شاگردان ومحصلان نصف قیمت.

علاقمندان می توانند به اداره جریدهٔ "مجاهد" تماس بگیرند.